کودکی که خدا را می بیند

یکـی از مهم ترین اتفاقاتی کـه باید برای کودکان زیر ۷ سال بیافتد این است که والدین و مربیان به پایه گذاری ارزش هـای اجتماعـی، مذهبی و فرهنگـی در کودکان بپردازند. پس باید در این سـن با رعایت تعادل، شـروع به آمـوزش های مقدماتی در حوزه هـای مختلف اجتماعی، مذهبی و فرهنگی در کودکان داشته باشیم.

از حدود ۵ سـالگی کنجکاوی نسبت به مسایل مختلف در کودکان ایجاد می شـود و ممکن است سوالات پی در پی را مطرح کنند. وظیفه مربیان و والدین این است که به تمام سوالات کودکان در حد توان فکری آنها پاسخ بدهند. یکی از مهم ترین سوالاتی که برای کودکان این سن ایجاد می‌شود مربوط به مذهب می شود.

مامان چرا نماز می خونی؟
بابا چرا توی مسجد گریه می کنی؟
مامان خدا چه شکلیه؟
بابا خدا دست داره؟
و سوالاتی از این قبیل.

حالا چه کار کنیم؟ چگونه به این سـوالات فلسـفی و سخت کودکمان پاسخ بدهیم؟

در مرحلـه اول باید نسـبت به مراحل رشـد فکری و شـناختی کودکان اطلاع و آگاهی پیـدا کنیم و در مرحله بعد از والدین دیگر، سوالاتی را که کودکانشان در خردسالی می پرسـیدند را جویا شویم و سعی کنیم برای هر کدام از آنها پاسـخی در حد توان فکری کودک خودمان پیدا کنیم. اگر والدین از قبل پاسخ دادن به سوالات مربوط به این سن را تمرین کنند، در زمانی که کودکشـان سوال می پرسد به راحتی می توانند جواب سوال آنها را بدهند.

اصول مربوط به تربیت دینی کودکان

اصل مشاهده: از آنجایی که کودکان مشاهده گران قابل و توانایی هسـتند و بسیار هم الگو پذیرند، بهتر است والدین اعمال مذهبی از قبیـل دعا خواندن، نماز خواندن، روزه گرفتن، مسجد رفتن، در حضور نامحرم حجاب داشتن و ... را در حضور کودکان انجام دهند تا آنها هم مشـاهده و تکـرار نمایند. معمـولا کودکان با دیـدن این اعمال از والدینشـان مخصوصا نماز خواندن، تمایل به انجام دادن آن ها را دارند. بهتر اسـت یک مهر و سـجاده و تسـبیح کوچک و همچنین چادر نماز کوچک برای کودکانمان کنار بگذاریم و به محض درخواستشان به آنها بدهیم تا راحت‌تر بتوانند این اعمـال را انجام بدهند. این کار همان قدم اول برای پایه‌گذاری ارزش‌های مذهبی در کودکان زیر ۷ سال می‌باشد.

اصل سـهولت: به کودکان خیلی سـخت نگیرید و تعادل را رعایت کنید. هر چقدر نسـبت به هر مساله ای در کودکان سخت گیری بیشتری داشته باشید به همان نسبت کودکتان از آن مسـاله زده می شود. اگر کودک زیر ۷ سال شـما نماز خواندن را انجام داد او را تحسین کنید حتی اگر پشت به قبله باشد یا چادر سر نکند و ... . برای دفعات اول او را تحسـین کنید و بعد اصـل تدریجی را که در زیر ذکر می شود، رعایت کنید.

اصل تدریج: پله پله و گام گام به کودکانتان مسـایل را آموزش دهید.

اصل منحصر به فرد بودن: در آموزش های مذهبی به این مساله توجه داشـته باشید که هر فردی منحصر به فرد است و زمان درست انجام دادن مسایل مذهبی می‌تواند در کودکان متغیر باشـد. والدین توجه داشته باشند که اگر کودکی همسـن کودک آنها بود و اعمال مذهبی را درست تر انجام می‌داد، هیچگاه او را با کودک خود مقایسه نکنند.

اصول مربوط به دعا و نماز

سـعی کنید دعا کردن را مداوم در خانه تکرار و تمرین کنید ولی مواظب باشید از تعادل خارج نشوید. به طور مثال بهتر است قبل و بعد از وعده های غذایی دعا و شکرگزاری نسـبت به خداوند متعال را تمرین کنیـم و از کودکانمان بخواهیم تکـرار کنند. فقط به یک نکتـه مهم باید توجه داشـته باشیم و آن هم این اسـت که دعا باید متناسب با درک و فهم کودک باشد تا بتواند تکرار کند و لذت بیشتری را ببـرد. برای اتفاقات زیبای زندگی به کودکتان یاد بدهید کـه از والدینش و همچنین از خدا تشـکر کند. به هنگام باریدن باران ابتدا تشکر از خدا را داشته باشید و بعد به ذکر نکات مثبت بارش باران برای کودکتان بپردازید.

به این مسـاله حتما توجه داشـته باشـید که هیچگاه کودکان را از خدا نترسـانید زیرا می تواند پایه های مذهبی اشـتباهی را در کودکان شکل بدهد. به طور مثال از گفتن جملات زیر جداً خودداری نمایید:

اگر پسر خوبی نباشی خدا می بردت جهنم!
اگر دختر منظمی نباشی خدا دوستت نداره!
اگر بچه بدی باشی و مامانت رو اذیت کنی می گم خدا بیاد ببردت بیاندازدت توی آتش!

جملاتی از این قبیل فقط چهره مهربانی خدا را از کودک می گیرد. نکته آخر این اسـت که کودکان تا حدود نه الی ده سـالگی متوجه مفاهیمی مثل بهشت و جهنم، فرشته و شیطان و ... نمی شوند و درک واقعی و کاملشان نسبت به این مفاهیم از حدود نه سالگی به بعد است.

در آموزش های مذهبی ، آسـان بگیرید و سخت گیری بیش از حد نداشته باشـید، به تدریج و گام به گام آموزش دهیـد و بپذیرید که کودکتان با کودکان دیگر تفاوت هایی دارد و این کاملا طبیعی هست.

طرح: عصرمردم

جدول شماره ۹۴/۷۳۴

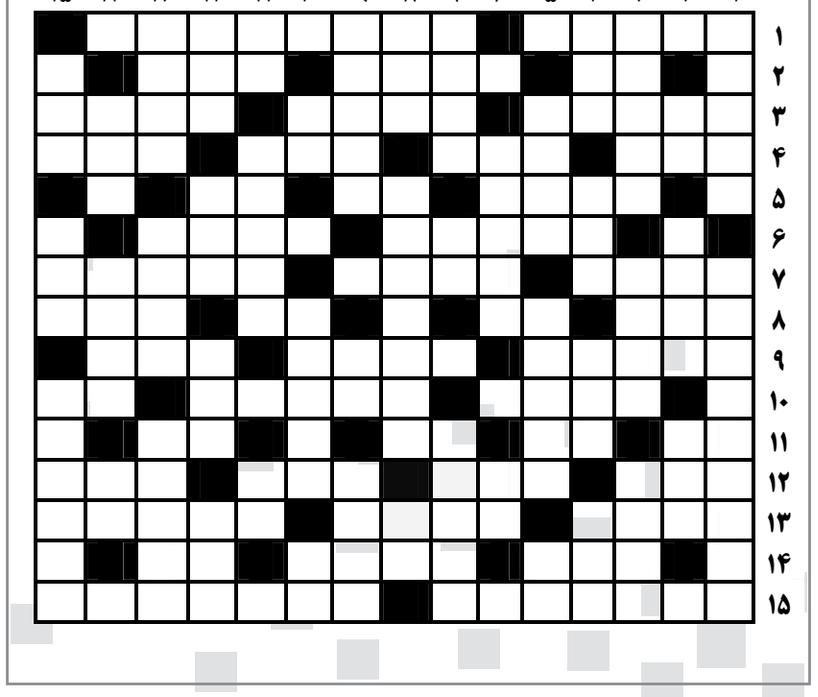

افقی:
۱-پایان و انتها- از باغ‌های زیبا در شیراز
۲-برابر- ستارگان- از حافظ می‌گیرند
۳-شهری در استان کرمان- خیاط- دیوانی بین‌المللی
٤-آواره- آگاه خلاصه شده- حرارت- گنگ
۵-کمیاب- عدد خیطی- نیا
٦-خواب نیست- چهره آرایی
۷-گوینده شعر- ورم- گلابی
۸-از ماه‌های قمری- جشنواره‌ای سینمایی- برخی حیوانات دارند- حالتی درخور ترحم
۹-فرهنگنامه‌ای فرانسـوی- سـاکن- از سازهای کوبشی روستایی
۱۰-نژاد- دود آن ضدعفونی کننده است- از دانه‌های خوشبو
۱۱-ناراست- نقش- مکمل شلوار- نویسنده آلمانی صاحب اثر «سرگذشت بودا» و گیرنده جایزه نوبل
۱۲-خورشید- نوعی موشک زمین به هوا- تیره- ترسنده
۱۳-گیر در زبان- نوعی از شـنا- از توابع کرمان
۱٤-همسایه- سیاهی- تعجب زنانه
۱۵-نوعی غذای سـنتی ایرانـی- زادگاه رئیسعلی دلواری

عمودی:
۱-نام دیگر دریاچه پریشان- از چهره‌های پلیسی و کارآگاهی خارجی قدیمی
۲-خاندان- نیـروی انتظامـی جمهوری اسلامی ایران- برای خنداندن می‌گویند
۳-نامی برای یـک رود- از رویدادهـای تلخ می‌گیرند- آزردگی
٤-نظرها- مادر باران- حقوقدان و سیاسـتمدار آلمانی- انگور
۵-ندا دهنده- مریضی- از شاخه‌های موسیقی
٦-بزرگتر از گروهان- دست نخورده و نو
۷-غلام- مادر عرب- نور اندک
۸-پاداش- چادرها- وی
۹-اندوهگین- از سوره‌های قرآنی- به قلعه‌های مستحکم می‌گفتند
۱۰-دریا- نام دیگری برای اسـتعدادهای درخشان- رود آرام روسی
۱۱-مقابل نشر- جمع جرم- صریح
۱۲-از بیماری‌های پوسـتی- کاشـت بارانـی- خواهر روستایی- میل درونی
۱۳-حالتی برای مو- از سبزیجات خوردنی- از اصطلاحات موسیقی کلاسیک
۱٤-گیاه تک سلولی- شیدا- خدای درویشان
۱۵-آسان- کنار- سفال آن معروف است

جواب جدول شماره ۹۴/۷۳۳

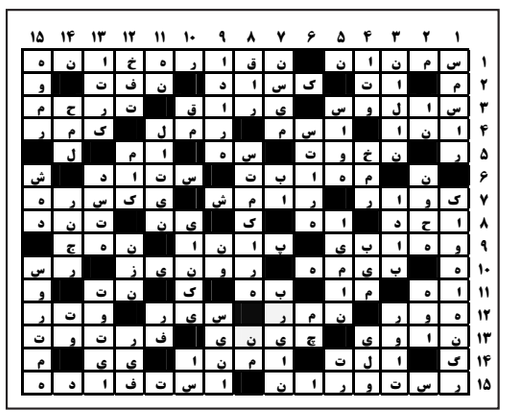

سودوکو

جدول شماره ۹۴/۲۰۸

	9					7	1	
2	1		9		8			
8		6		7	5	2	9	
3					7	6	5	
6								9
	5	9	8					7
	6	2	3	1		9		5
			6		9		7	2
	3	5					4	

جواب جدول شماره ۹۴/۲۰۷

8	2	9	3	6	1	7	4	5
7	3	5	4	8	9	6	1	2
4	6	1	7	5	2	3	9	8
6	1	2	9	4	3	5	8	7
3	9	7	8	2	5	4	6	1
5	4	8	6	1	7	2	3	9
9	5	6	2	3	8	1	7	4
1	8	4	5	7	6	9	2	3
2	7	3	1	9	4	8	5	6

شیوه حل جدول سودوکو

یک سودوکوی معمولی دارای ۹ سـتون عمـودی و ۹ ردیف افقی اسـت که توسط خطوط پررنگ‌تر بـه ۹ جعبه ۳ در ۳ تقسیم شده است.

تعـدادی از خانه‌هـا در این جـدول دارای عدد هسـتند و وظیفه شـما این اسـت که خانه‌های خالی را پر کنید طوری که هیچ عددی در یک سـتون، ردیف و جعبه تکرار نشود.

اعـدادی که در هـر ردیف و سـتون قرار می‌گیرد از عدد ۱ تا ۹ را شـامل می‌شود و نباید تکراری باشند.

آشنایی با قرآن

متفکر شهید استاد مرتضی مطهری

تفسیر سوره مطففین

توضیح معنای «تطفیف»

در گذشـته معاملات، جنسی بوده به این صورت که وقتی شـخصی می‌رفت پیش دکاندار، جنس می‌برد و جنس می‌گرفت. (مثلاً یک مقـدار گندم یا جو می‌برد و در مقابلش یک مقدار قند یا چای یا برنج می‌گرفت.)

آن وقـت این مغـازه‌دار دو کار می‌کرد، یکی اینکه جنـس او را وزن یا کیل می‌کـرد و تحویل می‌گرفت و دیگر اینکـه جنس خودش را بـه او تحویل می‌داد. قرآن گروهی را که وقتی جنسـی را به نفع خودشـان کیل یا وزن می‌کنند تمام و کمال می‌گیرند ولی جنس خودشـان را به مردم می‌دهند کم می‌گذارند، به شدت مورد حمله قرار می‌دهد [چون این کار] خیانت در کسب و کاسبی است.

خود قرآن «تطفیف» را تفسـیر و تشـریح می‌کند، می‌فرماید: ویل للمطففین. وای به حال کم‌فروشان! وای به حال کسـانی که کالای خودشـان را که به دیگران می‌دهند کم می‌گذارند!

الذین اذا اکتالوا علی‌الناس یسـتوفون. کسـانی که وقتی کیل می‌کنند بر مـردم (یعنی وقتی مال مردم را برای خودشـان می‌گیرند) به تمام و کمال می‌گیرند و اسـتیفا می‌کنند. و اذا کالوهم او وزنوهم یخسرون. ولی جنس خودشان را کیل یا وزن می‌کنند، کم می‌گذارند.

بعـد می‌فرماید: الا یظـن اولئک انهـم مبعوثون. نفرموده: «الا یعلم اولئک انهم مبعوثون» (آیا نمی‌دانند که مبعوث می‌شوند؟!) بلکه فرموده: آیا اینها حتی گمان نمی‌برند که مبعوث می‌شوند؟! یعنی یقین پیشکش، آیا گمانش را هم ندارند؟! یعنی اگر انسـان گمان حشر را هم داشته باشد احتیاط می‌کند.

(مشـخص اصلی قیامت، میزان است و تمام قیامت بر کاکل میزان و ترازوی عدل الهی می‌چرخد.) آیا اینها که امروز جنس مردم را تمام می‌گیرند و جنس خودشان را کم می‌دهنـد نمی‌دانند که یک روزی خودشـان و عملشان و کردارشـان همه در ترازوی عدل الهی قرار می‌گیرد؟!

اگر انسـان بداند جنسـی را که به عـده‌ای تحویل می‌دهـد، یک بار دیگر دقیقاً میزان می‌شـود، آن وقت چـه کار می‌کند؟ آیا باز هم کم می‌گـذارد؟! نه، چون می‌داند که آنها دقیقاً رسـیدگی می‌کنند و وزن می‌کنند و آبرویش خواهد رفت، آن وقت است که انسان احتیاطاً یک چیـزی هم عـلاوه می‌کند که آبرویـش نرود و حتی اگر انسـان گمان هم ببرد کـه میزان می‌کنند و می‌سنجند، باز احتیاط می‌کند.

پس آن کسانی که در خرید و فروش‌ها و معاملاتشان با مردم کم‌فروشـی می‌کنند، باید گفـت اصلاً گمان هم نمی‌برند که قیامتی در کار اسـت که خودشـان و اعمالشـان و کردارشان و نیاتشـان و همه چیز آنها در ترازوی عدل الهی وزن می‌شود. (و الوزن یومئذ الحق.)

در سـوره مبارکه القارعـه می‌خوانیـم: القارعه. ما القارعـه. و ما ادریک مـا القارعه. یوم یکـون الناس کالفراش المبثوث. و تکـون الجبال کالعهن المنفوش. فاما من ثقلت موازینه. فهو فی عیشـه راضیه. و اما من خفت موازینه. فامه هاویه.

در آنجا هر کسـی که میزان‌هـای او، یعنی بارهای او و آورده‌های او (آورده‌های حقیقی هر کسـی همان اعمال خیر اوسـت) سنگین باشد فهو فی عیشه راضیه، و اما هر کسی که سـبک به آنجا برود (سبک از عمل خیر) فامه هاویه.

تعمیم معنای «تطفیف»

مفسـرین گفته‌اند: تفسـیری که در این آیات برای تطفیف بیان شـده (کم‌دهی و جنس خود را کم دادن) اختصـاص ندارد به مواردی که ترازویی در کار اسـت، یعنـی مورد آیه اختصاص ندارد بـه امثال عطار و بقال و رزاز، بلکه اسـاس زندگی بشر بر معامله و داد و ستد است.

انسان که در اجتماع زندگی می‌کند، از مواهب اجتماع بهره می‌برد و این همان چیزی اسـت کـه از اجتماع می‌گیرد، و در مقابل، هر انسـانی کاری و مسئولیتی و وظیفه‌ای بر عهده دارد که باید آن را انجام بدهد و این همان چیزی است که به اجتماع تحویل می‌دهد.

هر کسـی که در آنچه باید بپردازد کم بگذارد و در آنچـه می‌گیرد تمام و کمال بگیرد، «تطفیف» شـامل حال او می‌شود.

فرض کنید شما کارمند کسـی هستید و قرار دارید ماهی فلان مبلغ از او بگیرید. اگر شما کاری را که قرار گذاشـته‌اید، تمام و کمال انجام دادید و آن وقت مبلغ مورد قرارداد را به تمام و کمال گرفتید، درسـت است، ولی اگر شـما حقوقتان را به تمام و کمال بگیرید ولی از کارتان کـم بگذارید، این تطفیف بودن و حرام بودن و سـحت بودن، هیچ فرقی [با مواردی که ترازو در کار است] نمی‌کند.

مثلاً یک معلم که حقوقی می‌گیرد برای اینکه مثلاً روزی چهـار سـاعت درس بدهد، اگـر از تدریس کم بگذارد، این تطفیف اسـت؛ چـون او در مقابل عملش پول می‌گیرد.

واعظ مطفف

شـخصی واعظی را برای وعظ دعوت کرده بود. آن واعـظ با او طی می‌کند که فلان قدر می‌گیرم و می‌آیم و او هم قبول می‌کند. شب اول آن واعظ می‌آید و یک سـاعت صحبت می‌کند. شب دوم ده دقیقه دیر می‌آید و شـب بعد یک ربع و خلاصه هر شبی که گذشته بود مقداری دیرترآمده بود و آن شـخص هم تمام اینها را دقیقاً حساب کرده بود.